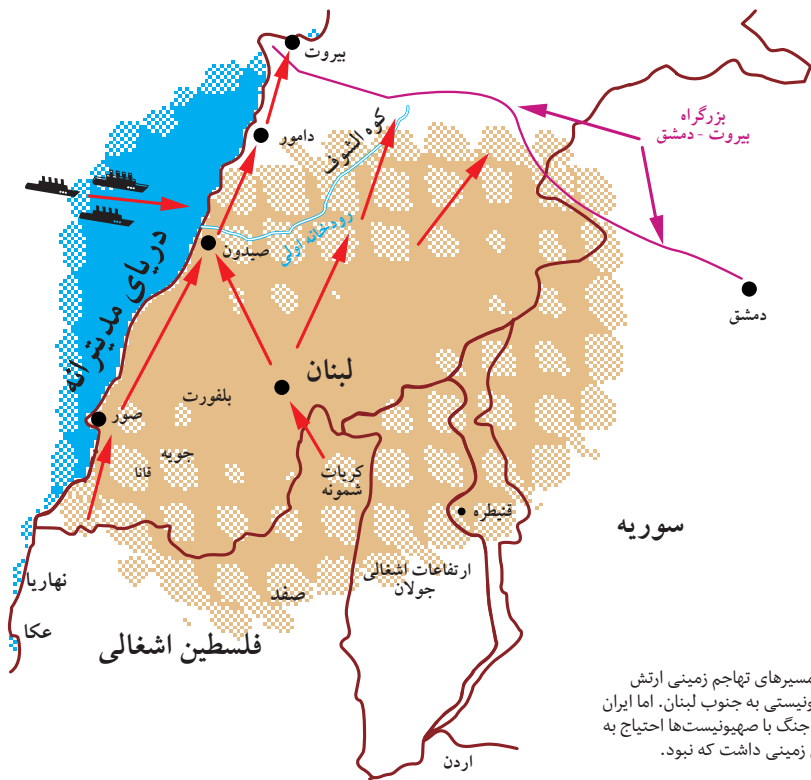




① ماکتی از میگ عراق. میگ‌های ساخت شوروی لحظات تلخی را در بمباران شهرهای ایران رقم می‌زدند.



⊕ مسیرهای تهاجم زمینی ارتش صهیونیستی به جنوب لبنان. اما ایران برای جنگ با صهیونیست‌ها احتیاج به راهی زمینی داشت که نبود.



موقعیت حمله اسرائیل به جنوب لبنان سال ۱۹۸۲

به جنوب لبنان ذهن‌های بسیاری را متوجه تحولات خاورمیانه کرد. ایرانی‌ها در این ماجرا تصمیم‌هایی گرفتند که در بخش بعدی به جزئیات آن می‌پردازیم. ایران در این ماجرا تا جایی پیش رفت که برای جنگ با صهیونیست‌ها نیروی نظامی نیز فرستاد. اما با مخالفت امام ماجرا شکل دیگری پیدا کرد. چند روزی بحث‌ها پیرامون این ماجرا بود و ۲۰ خرداد بار دیگر جلسه‌ی شورای عالی دفاع با حضور امام تشکیل شد. ساعاتی پیش از این جلسه عراق آتش‌بس یک‌طرفه اعلام کرده بود و گفت طی دو هفته نیروهایش را از خاک ایران خارج می‌کند و سرنوشت جنگ را به میانه‌ی‌های صلح می‌سپارد. عصر

«جنگ ایران و عراق، صلح و ثبات منطقه‌ی خلیج فارس را تهدید می‌کند و درها را به سوی مداخلات قدرت‌های بیگانه می‌گشاید... اعراب باید در راستای دستیابی به صلح، نقش رهبری را برعهده گیرند.»

روزنامه‌ی الاهرام، چاپ قاهره، ۳ خرداد

علیه ما مشغول توطئه هستند.» گمانه‌زنی‌هایی هم درباره‌ی پیشنهاد پرداخت خسارت به ایران مطرح شده بود. هاشمی در یادداشت ۱۴ خرداد نوشته است: «منابع غربی شایع کرده‌اند که کنفرانس شورای همکاری خلیج فارس در سعودی تصمیم گرفته مبلغ بیست و پنج میلیارد دلار به عنوان غرامت به ایران پردازد و کنفرانس نتوانسته تصمیمی درباره‌ی حمایت از صدام بگیرد و تلاش‌ها روی راضی کردن ایران به صلح متمرکز شده است. اکنون رسانه‌های ارتباط جمعی پذیرفته‌اند که ایران پیروز و قدرتمند است و خطر صدور انقلاب اسلامی را برای ترساندن دولت‌های منطقه تبلیغ می‌کنند. معمولاً با این شایعات اهداف انحرافی را دنبال می‌کنند.»

موضع بعث

ایرانی‌ها از سوی دیگر صدام و حزب بعث را زیر نظر گرفته بودند تا وضعیت عراق را دریابند. همین زمان گمانه‌زنی‌هایی درباره‌ی کودتا در عراق یا برکناری صدام به گوش می‌رسید. در حالی که صدام و بعثی‌ها لحنی صلح‌طلبانه به خود گرفته بودند، حضور آن‌ها در بخش‌هایی از خاک ایران و بمباران‌های گاه و بی‌گاه مرزی با یک اتفاق عجیب‌تر همراه شد؛ دوازده روز پس از آزادی خرمشهر، هواپیماهای عراقی مردمی را که در شهر ایلام برای راه‌پیمایی ۱۵ خرداد آمده بودند بمب‌باران کردند و ۴۱ نفر را کشتند و ۲۰۰ نفر را مجروح کردند. ایلام منطقه‌ای مرزی نبود و این بمباران عجیب بود. این اتفاقات و در کنار آن نبود پیشنهادهایی که ایرانی‌ها آن را متناسب با جایگاه برترشان در جنگ بدانند اذیتشان می‌کرد. هاشمی جلسه‌ی سران قوا در فردای این روز را این‌گونه روایت کرده: «از طرف هیأت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی، وزیر خارجه‌ی گینه نامه‌ای از آقای سکوتوره آورده است. از رئیس‌جمهور خواسته است که ایشان به مکه بروند و معلوم شد که از صدام هم چنین دعوتی کرده‌اند. ما منتظر پیشنهاد مثبتی بودیم و این پیشنهاد برخلاف انتظار بود. نظر مخالف دادیم و فرار شد که آقای خامنه‌ای جواب بنویسند.»

صهیونیست‌ها در لبنان

روز ۱۶ خرداد خبر حمله‌ی صهیونیست‌ها

این روز در جلسه‌ی شورای عالی دفاع درباره‌ی مسئله‌ی جنگ گفتگو شد متأسفانه از این جلسات گزارشی در دسترس نداریم. هاشمی در یادداشت روزانه‌ی بیستم خرداد توضیحی نوشته است که ابهامات زیادی دارد. از طرفی نوشته است: «امام در مورد ادامه‌ی جنگ قاطع‌اند و اجازه نمی‌دهند حتی به گونه‌ای بحث شود که کوچک‌ترین تردیدی در جامعه و نیروها بروز کند و اهداف جنگ را به گونه‌ای اعلام می‌کنند که همگی خودشان را برای مدت طولانی آماده کنند.» و از طرف دیگر نوشته است: «ضمناً توافقی برای ورود به خاک عراق هم نداشتند.» افراد دیگر همچون محسن رضایی نیز روایتی مشابه دارند و می‌گویند امام با توقف جنگ مخالف بود و از طرفی موافق ورود به خاک عراق نبود. متن یادداشت هاشمی در این روز به گونه‌ای است که گویا دو جلسه تشکیل شده: «در جلسه‌ی عصر هم خدمت امام، فرماندهان نظامی با حضور ما با امام بحث کردند و کارشناسان ثابت کردند که ادامه‌ی جنگ با منع ورود به خاک عراق سازگار نیست. دشمن در جاهای زیادی در خاک ما است و اگر مطمئن بشود که نظام ما به خاک او وارد نمی‌شود یا ورود جزئی خواهد داشت نه امتیازی خواهد داد و نه از نقاط حساس بیرون خواهد رفت و هر وقت آمادگی پیدا کرد در خاک ما پیشروی می‌کند و با این استدلال امام را قانع کردند که با ورود به خاک عراق در جاهایی که مردم نیستند یا کم هستند و آسیب نمی‌بینند، موافقت کنند.»